

## **A review of the recording and attribution of verses to Rudaki Samarqandi in Ajayeb al-Loqaa dictionary\***

**Dr. Zahra Nasirishiraz<sup>1</sup>**

Assistant Professor of Persian language and literature, Shahid Chamran University of Ahvaz

**Dr. Nasrollah Emami**

Professor of Persian language and literature, Shahid Chamran University of Ahvaz

**Sajjad Dehghan**

MA graduate in Persian language and literature, Shahid Chamran University of Ahvaz

### **Abstract**

Ajayeb al-Loqaa is a Persian-to-Persian dictionary authored in the first half of the eleventh century along with numerous poems by Persian poets. The only hand-written copy of that dictionary is kept in the library of the parliament at no. 2192. It was written by a person named Adibi during the Ottoman period and edited by Modabberi in 2010. According to the studies on registering vocabulary and recording poetic works, it is obvious that Adibi used his earlier vocabulary sources, especially Loqat-e-Fors and Sehaḥ al-Fors for his work. Therefore, the present dictionary can be considered as a documentary source for the retrieval and edition of the scattered poems of pioneering poets and those who have no anthology. One of these poets is Rudaki Samarqandi under whose name the author has recorded 92 instances of verses. Since this work has not been cited and used in any of the printed anthologies (edited by Nafisi and other subsequent editors), it was necessary to discuss some of the verses recorded in this work in the name of Rudaki but not mentioned in published anthologies. Since the editor of the dictionary (Mahmoud Modabberi), for some reason, has only mentioned the attribution of the poems and given some brief explanations of the words and verses, a comprehensive study was needed to shed light on the book contents for future scholars and editors of Rudaki's anthology.

**Keywords:** Ajayeb al-Loqaa dictionary, Adibi, Rudaki, Correction of texts, Vocabulary transformation, Poem attribution.

---

\* Date of receiving: 2020/2/13

Date of final accepting: 2020/8/4

1 - email of responsible writer: z.nasirishiraz@scu.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش نامه

سال بیست و دوم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۴۸

صفحات ۴۸-۹

DOR: [20.1001.1.17359589.1400.22.48.1.1](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1400.22.48.1.1)

## نقد و بررسی ضبط و انتساب ابیاتی به رودکی سمرقندی در فرهنگ عجایب اللّغه\* (مقاله پژوهشی)

دکتر زهرا نصیری شیراز<sup>۱</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر نصرالله امامی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

سجاد دهقان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

### چکیده

عجایب اللّغه فرهنگ لغتی فارسی به فارسی تحریر یافته در حدود نیمه اول قرن دهم است، همراه با شواهد متعدّد از اشعار شاعران پارسی‌زبان، که یگانه دست‌نویس آن در کتابخانه مجلس به شماره ۲۱۹۲ نگهداری می‌شود. این اثر را فردی به نام «ادیبی»، در دوره سلاطین عثمانی به رشته تحریر درآورده و محمود مدبری آن را در سال ۱۳۸۹ براساس نسخه مذکور، تصحیح کرده‌است. مطابق بررسی‌های صورت پذیرفته در ثبت لغات و ضبط شواهد شعری، بوضوح مشخص است که ادیبی برای تألیف اثرش، از منابع لغت پیش از خود، بویژه، لغت فرس و صحاح الفرس، بهره برده و به همین جهت، فرهنگ حاضر را می‌توان منبعی مستند برای بازیابی و تصحیح اشعار پراکنده شاعران پیشگام و بی‌دیوان دانست.

یکی از این شاعران رودکی سمرقندی است که مؤلف در نود و دو موضع، ابیاتی به نام وی ثبت کرده‌است. از آنجا که این اثر تا کنون، در هیچ‌یک از دیوان‌های چاپی (به تصحیح نفیسی و دیگر مصححان پس از وی)، مورد استناد و استفاده نبوده، ضروری است تا درباره برخی از ابیات که در این اثر، به نام

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

<sup>۱</sup> - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: z.nasirishiraz@scu.ac.ir

رودکی ثبت شده و در دیوان‌های چاپی نیامده، بحث شود. همچنین، از آن‌جا که مصحح فرهنگ (محمود مدبری)، بنا به دلایلی، تنها به یادآوری انتساب و پاره‌ای توضیحات مختصر در ضبط واژه و ابیات بسنده کرده، ضرورت دارد موارد مذکور بررسی شود.

در پژوهش حاضر، ده بیت از این موارد بررسی می‌شود. حاصل این مطالعه بدین صورت است که ادیبی چهار بیت را به نام رودکی آورده، حال آن‌که این ابیات در اصل، متعلق به شاعرانی دیگر است. ما درباره انتساب درست و اصلاح پاره‌ای ایرادات در ضبط لغات و ابیات در این پژوهش به طور مفصل بحث کرده‌ایم. نکته دیگر که در این فرهنگ دیده می‌شود، انتساب برخی ابیات رودکی به شاعران دیگر است، ابیاتی که در انتساب آنها به رودکی تاکنون تردیدی وجود نداشته، درباره این ابیات که تعدادشان شش مورد است نیز بحث کرده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عجایب‌اللغه، ادیبی، رودکی، تصحیح متن، تحول واژگان، انتساب اشعار.

#### ۱- مقدمه

عجایب‌اللغه، فرهنگ لغتی فارسی به فارسی در حدود ۱۷۰۰ واژه است. از مقدمه این اثر، پیداست که ظاهراً فردی به نام «ادیبی» آن را در نیمه نخست قرن دهم به رشته تحریر درآورده است (ر.ک: مدبری ← ادیبی، مقدمه مصحح: دوازده). از این اثر، تنها یک نسخه خطی بدون تاریخ کتابت موجود است که به شماره ۲۱۹۲ در کتابخانه مجلس، نگهداری می‌شود. با توجه به شواهد و قراین موجود در نسخه، می‌توان گفت که کتابت آن در قلمرو عثمانی صورت گرفته و تألیف آن مصادف با عصر سلیمان عثمانی و قدرت داشتن اسکندر چلبی، یعنی در فاصله سال‌های ۹۲۶ (سال جلوس سلطان) و ۹۴۱ (سال قتل اسکندر چلبی) بوده است (ر.ک: همانجا).

در این فرهنگ، همانند لغت فرس اسدی، لغات بر اساس حرف آخر چینش شده و برای اغلب واژه‌ها، یک یا چند بیت -که بیشتر آنها از شاعران سده‌های چهارم و پنجم هجری است-، شاهد آمده است. از جمله این شاعران، می‌توان به رودکی، منجیک ترمذی، ابوشکور، دقیقی، عنصری بلخی، فرخی، فردوسی و ... اشاره کرد (ر.ک: همان،

مقدمه مصحح: پانزده). بعلاوه، در میان شواهد شعری، نام شاعرانی از سده‌های ششم و هفتم تا عصر مؤلف نیز به چشم می‌خورد (ر.ک: همانجا). با وجود این، به نظر می‌رسد ادیبی برای ضبط لغات و شواهد شعری شاعران پیشگام از چند نسخه خطی لغت فرس و صحاح الفرس و ... هم بهره برده باشد.

همانند اشتباهاتی که گریبانگیر سایر فرهنگ‌های لغت فارسی شده، اثر حاضر نیز خالی از دخل و تصرف و اشتباهات مکرر مؤلف و یا کاتب نسخه نبوده است. مدبری در مقدمه این فرهنگ پاره‌ای از ایرادات کلی موجود در نقل شواهد را بیان کرده است؛ بدین صورت که مؤلف «نام بعضی شاعران را به چند صورت آورده است» و گاه «نام بعضی شاعران را بکلی، نادرست ضبط کرده» است. در برخی مواضع نیز «نقل شاهد شعری به نام شاعرانی است که در منابع و مأخذ مختلف به نام گویندگان دیگری ضبط شده است». همچنین گاه، کاتب فراموش کرده نام شاعر بیت را قید کند و «در پاره‌ای از موارد، شاهد مثال، مناسب معنی کلمه نیست» (ر.ک: همان، مقدمه مصحح: پانزده-هجده). محمود مدبری درباره ضبط شواهد شعری در فرهنگ حاضر، نوشته است: «اختلافات شواهد ابیات با فرهنگ‌ها بسیار است. به نظر می‌آید بسیاری از ابیات را برای سهولت فهم و قرائت وزن شعر، دستکاری کرده باشد» (همان، هجده).

مدبری که در سال ۱۳۸۹ این اثر را بر اساس یگانه نسخه خطی آن تصحیح کرده درباره روش تصحیح خود، در مقدمه کتاب، نوشته که خود کم‌تر در متن نسخه دخل و تصرف داشته و جز در مواردی معدود، در متن نسخه دست نبرده است. در عین حال، تصریح دارد که ایرادات موجود در نسخه را در حاشیه تصحیح کرده و برای این منظور، به سایر فرهنگ‌های لغت نظیر لغت فرس اسدی، صحاح الفرس، فرهنگ قواس، مجمع الفرس و ... مراجعه کرده است (ر.ک: همان، بیست و دو).

ادیبی در این فرهنگ، ۹۲ بار از رودکی نام برده و از آنجا که این فرهنگ در تدوین کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی (اثر نفیسی در دو چاپ ۱۳۱۹ و ۱۳۴۱)،

و دیگر دیوان‌های چاپی در ایران و تاجیکستان مورد استناد نبوده، بررسی شواهد تازه و ضبط‌های منحصر به فرد آن برای ادامه روند رو به رشد رودکی‌پژوهی، ضرورتی انکارناپذیر است. همچنین از آنجا که در این فرهنگ، ابیاتی به رودکی منسوب است که در دیوان وی نیامده و بنوعی تکلیف آنها با وجود تصحیح اثر، مشخص نشده، اهمیت این ضرورت برای رودکی‌پژوهان، تدوین‌کنندگان ابیات برجای مانده از رودکی سمرقندی در ایران و تاجیکستان و نیز دوست‌داران شعر کهن فارسی نمایان‌تر می‌شود.

در پژوهش حاضر، با توجه به نکات یاد شده، ده بیت از شواهد منسوب به رودکی در این فرهنگ با مراجعه به سایر منابع، نقد و بررسی خواهد شد که دارای ایراداتی جدی در انتساب و ضبط لغات و شواهد شعری هستند. شایان ذکر است که پژوهش حاضر را می‌توان تکمله‌ای مفصل بر کار مدبری - مصحح فرهنگ عجایب اللغه - دانست و نه نقدی بر آن تصحیح؛ زیرا همچنان که خود مصحح نیز تصریح داشته، در باب ابیات بررسی شده در پژوهش حاضر، ایشان تنها در زمینه انتساب و ضبط واژه، به انتساب و ضبط‌های متفاوت دیگر منابع اشاره کرده و جز مواردی معدود - آن هم در زمینه لغت - در صدد اثبات چیزی بر نیامده است و از آنجا که مصحح محترم در تصحیح اثر - به ویژه ابیات این پژوهش - نظرهای خود را بیان نکرده، تنها ایرادی که به آن می‌توان وارد کرد، بلا تکلیف ماندن ابیات یا مصراع‌های برساخته و انتسابات اشتباه است که اگر این موارد با نقد و بررسی اثر روشن نشوند، ورود آنها به دیوان‌های چاپی صدمات جبران‌ناپذیری به شعر رودکی وارد خواهد کرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت برخی ضبط‌ها و ابیات تازه در فرهنگ عجایب اللغه، تاکنون برخی پژوهشگران از این فرهنگ در بازیافت و تصحیح اشعار شاعران، سود جست‌ه‌اند. مدبری در کتاب شرح احوال شاعران بی‌دیوان و شواربی مقدم در تصحیح دیوان منجیک ترمذی

(ر.ک: شواری مقدم ← منجیک ترمذی، مقدمه مصحح: سی و نه - چهل)، آیدنلو در مقاله «تُخشان؛ تصحیح واژه‌ای تصحیف شده در شاهنامه»، (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۹۲: ۱۴۳). همچنین نصرالله امامی و همکاران در مقاله «بررسی ابیاتی نویافته از رودکی در فرهنگی ناشناخته»، (ر.ک: امامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶) و زهرا نصیری شیراز و همکاران نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی ابیات تازه و منسوب به رودکی سمرقندی در فرهنگ لغت حلیمی (شرح بحر الغرائب)» (ر.ک: نصیری شیراز و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۱-۱۳-۱۵-۱۶)، شواهد و ضبط‌هایی تازه از ابیات را ارائه داده‌اند که در هیچ یک اشاره‌ای به ابیات بررسی شده در پژوهش حاضر نشده است.

جز آثار مذکور، پژوهشگران در چند دهه اخیر، مقالاتی در باب تصحیح، بررسی انتساب و معرفی ابیات نویافته به جامعه علمی ارائه داده‌اند که در هیچ‌یک از این آثار، نقلی از فرهنگ حاضر و ابیات تازه آن به نام رودکی دیده نمی‌شود (برای پرهیز از افزایش حجم پژوهش حاضر خوانندگان محترم می‌توانند برای بررسی بیشتر درباره این قسم پژوهش‌ها به مقاله «بررسی ابیات تازه و منسوب به رودکی سمرقندی در فرهنگ حلیمی (شرح بحر الغرائب)» مراجعه کنند: ر.ک: نصیری شیراز و همکاران، ۱۳۹۷: ۲-۳).

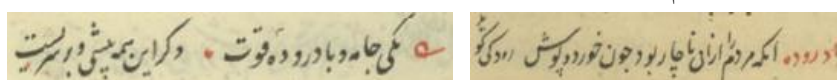
### ۳. ابیاتی که انتساب آنها به رودکی مردود است

ابیاتی که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت، ابیاتی هستند که قطعاً از رودکی نیستند و تنها در این اثر یا یکی دو منبع دیگر به نام رودکی ضبط شده است. علاوه بر انتساب، ضبط لغات و ابیات نیز دارای ایراداتی هستند که پس از بررسی منابع دیگر آنها را نقد خواهیم کرد.

۱-۳.

یکی جامه و بادروده [که<sup>۱</sup>] قوت دگر این همه بیشی و برسریست  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «بادروده» به معنی «آنکه مردم را از آن ناچار بود چون خورد و پوشش»، به نام رودکی آورده است:



(همان، بی تا: ۱۲۸)

در این فرهنگ ضبط واژه «بادروده»، ضبط بیت و انتساب آن به رودکی، دارای سه ایراد است: نخست اینکه ادیبی در ضبط واژه «بادروده»، مرتکب اشتباه تحریفی شده است؛ زیرا در فرهنگ‌های لغت این واژه مکرراً به صورت «بادروزه»، به کار رفته است (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۲۴۷؛ حلیمی، بی تا: برگ ۲۰؛ اوبهی، ۱۳۶۵: ۹۱؛ جاروتی، ۱۳۵۶: ۲۲۳؛ فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ۶۳؛ تبریزی، ۱۳۴۲: ۲۱۰، ج ۱؛ جمال‌الدین انجو، ۱۳۵۹: ۱۸۷-۱۸۸؛ دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل بادروزه و ...). هرچند کاربرد این واژه در متون کم‌سابقه است<sup>۲</sup>، اما مؤلف برخی از فرهنگ‌ها، بجز صورت مذکور، به دو صورت «بادروژه» و «باروزه»<sup>۳</sup>، نیز اشاره کرده‌اند. با وجود این، بجز این سه صورت، صورت دیگری برای آن در فرهنگ‌های معتبر لحاظ نشده؛ مگر آنکه در نسخه‌ای این واژه دستخوش تغییر و تحولات گویشی یا بدخوانی کاتبان شده باشد (مانند ضبط «بادروده» در فرهنگ حاضر که صورتی محرف از «بادروزه» یا باد روزه است).

ایراد دوم، ضبط نادرست مصراع نخست است. کاتب (یا مؤلف)، این مصراع را با اختلاف: «بادروده قوت»، ضبط کرده که برای حفظ وزن می‌بایست «قوت» (به معنی: خوراک، غذا، روزی و ...) را به صورت «قوت» (مخفف قوت به معنی نیرو، توان و ...)، خوانش کرد؛ حال آنکه با این قرائت، معنی بیت مخدوش و مغلوط می‌شود.

ضبط مصراع نخست در منابع دیگر بدین صورت است: لغت فرس تصحیح اقبال و صحاح الفرس: «یکی جامه وین بادروزه که قوت» (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۴۱۹؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۲۶۳)؛ لغت فرس نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز «یکی جام و این بادروزه و قوت» (اسدی طوسی، ۱۳۶۶: ۳۴۷)؛ فرهنگ رشیدی و مجمع الفرس<sup>۴</sup> «یکی جامه وین بادروزه ز قوت» (تتوی، ۱۳۳۷: ۱۹۶؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۲۰۳).

در اینجا چون مقدم و مؤخر بیت را نداریم، نمی‌توانیم به صراحت درباره ضبط صحیح بیت نظر بدهیم. به همین جهت ما دو ضبط را قابل توجه می‌دانیم: یکی ضبط «یکی جامه و بادروزه ز قوت» دیگر ضبط «یکی جامه بادروزه و قوت». ضبط اخیر، ضبط پیشنهادی است و در نسخه‌بدل‌ها نیست. در این ضبط که احتمال درست بودن آن بیشتر مطرح است، «جامه بادروزه»، به معنی «جامه‌ای که هر روز آن را می‌پوشند» است. همچنین «قوت بادروزه». البته در اینجا «بادروزه»، حذف به قرینه لفظی است. یعنی مراد شاعر «یکی جامه بادروزه و قوت بادروزه» بوده است که «بادروزه» به قرینه حذف شده است. این احتمال نیز مطرح است که «بادروزه» صفت «قوت» نباشد و در اصل معنای بیت چنین باشد: «یک دست لباس که هر روز آدم آن را بپوشد و قوت لایموت کافی است. بیش از آن هرچه باشد، اضافی است.

ایراد سوم انتساب اشتباه بیت به نام رودکی است. مطابق بررسی ما در منابع خطی و چاپی فرهنگ‌های فارسی، تاکنون تنها در حاشیه نسخه خطی لغت فرس اسدی کتابخانه ملی تبریز (معروف به حاشیه نسخه نخجوانی) به نام رودکی آمده است:

**رودکی گوید شعر یکی جامه و این بادروزه و قوت، دیگر این همه پیشی و برسدیت**

(حاشیه نسخه خطی لغت فرس نخجوانی، ص ۳۴۷)

در سایر منابع از جمله لغت فرس تصحیح اقبال<sup>۵</sup> و صحاح الفرس، بیت منسوب به کسایی و در فرهنگ رشیدی و مجمع الفرس، منسوب به سنایی است. ریاحی نیز بیت مورد بحث را جزو اشعار کسایی نقل کرده و نوشته است:



«به نام رودکی و سنایی هم نوشته‌اند، اما در دیوان سنایی نیامده و ظاهراً از کسایی است به دلیل این که ناصر خسرو قصیده‌ای در استقبال از آن دارد:

خرد چون به جان و تنم بنگریست از این هر دو بیچاره بر جان گریست  
و در بیت زیر، ظاهراً به بیت کسایی نظر داشته است:

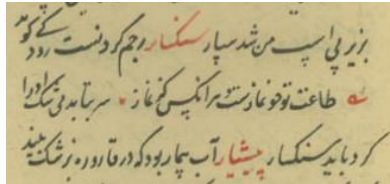
مراد خدای از جهان مردم است دگر هرچه بینی همه بر سری است»  
(ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۰۰، ح ۲۴۳)

اداره چپ گیلانی نیز این بیت را همانند ضبط لغت فرس و صحاح‌الفرس، جزء اشعار باقی‌مانده کسایی نقل کرده است (ن.ک: اداره چپ گیلانی، ۱۳۷۰: ۲۹۸). با وجود این، به نظر می‌رسد انتساب بیت به نام رودکی در فرهنگ مورد بحث و حاشیه لغت فرس نخجوانی، از یک منبع مشترک و البته اشتباه صورت پذیرفته باشد. در هر دوی این منابع، اشتباهات فاحش زیادی، چه در ضبط و چه در انتساب ابیات، مشاهده می‌شود؛ به‌همین جهت فعلاً، تا به دست آمدن شواهد و منابع مستندتر تعلق بیت به کسایی با توجه به دو منبع لغت فرس و صحاح‌الفرس، محتمل‌تر به نظر می‌رسد. شایان ذکر است که مدبری در چاپ خود صرفاً به اختلاف ضبط «بادرزوه و باروزه» و نام شعرا (کسایی و سنایی) در سه فرهنگ: لغت فرس، صحاح‌الفرس و مجمع‌الفرس، اشاره کرده (ر.ک: همان، ۱۳۸۹: ۱۲۷، ح ۲-۳) و درباره اشتباه بودن انتساب بیت به نام رودکی در فرهنگ مورد بحث، سکوت کرده است.

### ۲-۳.

طاعت تو چو نمازست و هر آنکس کز نماز سر بتابد بی‌شک او را کرد باید سنگسار  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۳۹)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «سنگسار»، به نام رودکی نقل کرده است:



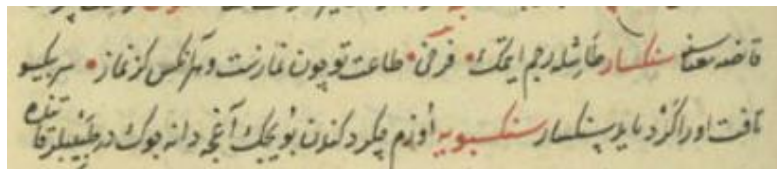
(همان، بی تا: ۴۱)

کار مؤلف یا کاتب در ضبط این بیت دو اشکال دارد: ایراد نخست ضبط واژه «چو» در مصراع اول است. کاتب این واژه را در نسخه به صورت «حو» (=چو) نوشته است. به نظر می‌رسد اسقاط حرف «ن» از انتهای این واژه سهواً رخ داده؛ زیرا در سایر منابع این واژه به صورت «چون»، ضبط شده و همین درست‌تر است.

ایراد دوم متوجه صحت انتساب آن است؛ تنها در این اثر، بیت به رودکی منسوب است. در همه منابعی که بیت مورد بحث به استشهاد واژه «سنگسار» آمده، شاعر آن صراحتاً فرخی معرفی شده است (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۴۶؛ همان، ۱۳۶۵: ۹۲؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۰۸؛ وفایی<sup>۷</sup>، ۱۳۷۴: ۱۱۹؛ حلیمی، بی تا: برگ ۱۰۳). همچنین این بیت در دیوان فرخی سیستانی بیت چهل و هشتم از قصیده‌ای است با مطلع زیر، که در مدح سلطان محمود و ذکر شکار او سروده شده:

ای مبارک پی جهاندار و همایون شهریار  
ای ز بهر نام نیکو دین و دولت را بکار  
(فرخی سیستانی، ۱۳۸۰: ۷۴)

شایان ذکر است که در نسخه‌های دیوان فرخی، مصراع دوم بیت با اختلاف: «سر بیکسو تافت او را کرد باید سنگسار» (همان، ۱۳۱۱: ۸۰؛ همان، ۱۳۸۰: ۷۸)، ضبط شده در حالی که بجز حلیمی مؤلفان سایر فرهنگ‌ها مصراع دوم را همانند ادیبی ضبط کرده‌اند.



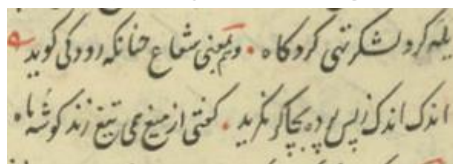
(حلیمی، بی تا: برگ ۱۰۳)

مدبری در تصحیح فرهنگ عجایب‌اللغه، به نکات فوق در ضبط بیت و انتساب آن به رودکی، اشاره نکرده و در متن، این بیت را مطابق نسخه اساس خود، متعلق به رودکی دانسته‌است.

۳-۳

اندک اندک ز پس پرده به چاکر نگرید      گفتی از میغ همی تیغ زند گوشه ماه  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۶۸)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «تیغ» به معنی «شعاع»، به نام رودکی آورده است:



(همان، بی تا: ۷۰)

همان گونه که در مقدمه اشاره کردیم، فرهنگ‌های لغت نقش بسزایی در امر بازیابی اشعار شاعران پیشگام دارند. گاه برخی از این آثار در ثبت لغات و شواهد عیناً از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند. به عنوان مثال، ما از لغت فرس نسخه‌هایی در دست داریم که هم خانواده‌اند؛ یعنی شواهد و لغات جز در مواردی معدود، یکسان است؛ بر این اساس، اگر خطایی در یک نسخه بر خلاف سایر نسخ دیده شود، قابل پی‌گیری است و مشخص می‌شود که خطای موجود از کجا نشأت گرفته است. (برای بررسی بیشتر درباره نسخه‌های لغت فرس و نسخه‌های هم‌تبار، بنگرید به: اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۵-۱۶).

اگر ما در پیشینه ضبط بیت در منابع مستند، تنها یک نسخه یا کتاب داشته باشیم که بیتی را به نام رودکی ضبط کرده باشد و دیگر منابع و خانواده‌های نسخ خطی، شاهد را

به نام شاعری دیگر نقل کرده باشند، می توان در انتساب بیت به نام رودکی به طور جد تردید کرد.

با عنایت به این موضوع و ضبط سایر منابع و تنوع آنها، انتساب این بیت به رودکی، که تنها در این اثر دیده می شود، به احتمال زیاد اشتباه مؤلف یا کاتب یا ضعف نسخه منقول عنه است.

در منابعی که در ادامه نقل خواهیم کرد، شاهد اختلاف ضبط هستیم، اما اختلاف در انتساب، نه؛ این خود نشان دهنده آن است که انتساب بیت به رودکی به دلیل بی احتیاطی مؤلف یا ناآگاهی او از خطای منبع مورد استفاده او بوده است.

برای روشن شدن این موضوع نخست به بررسی منابع مستند این بیت می پردازیم: در سرچشمه های شعر شاعران پیشگام، برای جستجوی این بیت می بایست به دو طیف از منابع مستند مراجعه کرد که نخستین آن فرهنگ های لغت است؛ در ادامه ضبط فرهنگ هایی که این بیت را به عنوان شاهد آورده اند، ارائه می شود:

الف. در لغت فرس تصحیح پاول هرن (Paul Horn)، بیت بدین صورت ضبط شده است:

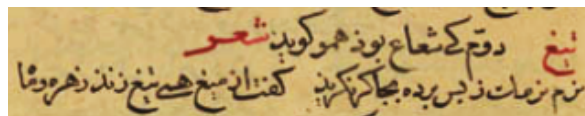
از پس پرده نهانی سوی چاکر نگرید      گفتی از میغ همی تیغ زند گوشه ماه  
(اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۵۸)

در تصحیح دبیرسیاقی نیز به تبعیت از تصحیح هرن، ضبط بیت به همین صورت است (ر.ک: همان، ۱۳۳۶: ۸۳).

ب. در لغت فرس تصحیح اقبال بیت با اختلاف زیر آمده است:

نرم نرمک ز پس پرده بچاکر نگرید      گفت از میغ همی تیغ زند زهره و ماه  
(همان، ۱۳۱۹: ۲۳۲)

اقبال این ضبط را بر اساس حاشیه نسخه لغت فرس نخجوانی برگزیده است:

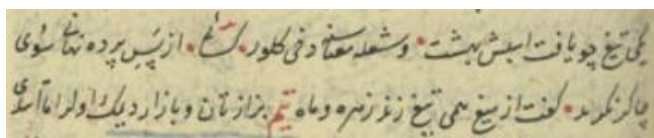


(همان، ۱۳۱۲: ۸۱)

در فرهنگ صحاح الفرس و فرهنگ وفایی نیز بیت به همین صورت و با اختلاف: «نگریست» و «گفتی»، در مصراع اول و دوم، ضبط شده است<sup>۱</sup> (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۶۲؛ وفایی، ۱۳۷۴: ۶۴).

ج. در منابع زیر، مؤلفان، بیت را با تلفیقی از ضبط‌های یادشده آورده‌اند.  
لغت حلیمی:

از پس پرده نهانی سوی چاکر نگرید / گفت از میغ همی تیغ زند زهره و ماه  
(حلیمی، بی‌تا: برگ ۵۲)



(لغت حلیمی، نسخه خطی کتابخانه مجلس برگ ۵۲)

لغت فرس نسخه پنجاب (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۱۳۵) و مجمع الفرس:  
نرم نرمک ز پس پرده بچاکر نگرید / گفتی از میغ همی تیغ زند گوشه ماه  
(سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۳۰۲)

با این گزارش مشخص می‌شود در ضبط بیت، «اندک اندک» در میان دیگر متون سابقه ندارد؛ بنابراین می‌تواند از مقوله تصرفات مؤلف یا یکی از کاتبان مرتبط با نسخه عجایب‌اللغه تلقی شود. همچنین در همه منابع فوق، بیت به کسایی منتسب است و این انتساب دقیق‌تر است. زیرا همان‌گونه که بیان شد، پراکندگی منابع لغت و اتفاق همه آنها بر سر انتساب بیت به نام کسایی، تردیدی برای صحت این انتساب به کسایی باقی

نمی‌گذارد؛ مگر این‌که با توجه به گزارش بعدی، بیت مورد بحث ضبطی دیگرگونه از یک بیت رودکی بوده باشد که کسایی از آن استقبال کرده باشد.

و اما طیف دوم منابع، تذکره‌های فارسی است؛ در تذکره‌لباب‌الالباب، دو بیت منسوب به کسایی آمده که مصراع دوم بیت نخست آن، بسیار شبیه ضبط‌های فوق است:

دستش از پرده برون آمد چون عاج سپید      گفتی از میغ همی تیغ زند زهره و ماه  
پشت دستش بمثل چون شکم قاقم نرم      چون دم قاقم، کرده سر انگشت سیاه  
(ریاحی، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۳)

در لباب‌الالباب هر دو بیت در ذکر احوال و اشعار کسایی مروزی با اختلاف «آمده» در مصراع نخست، ضبط شده است (عوفی، ۱۳۶۱: ۲/۳۶). در عرفات‌العاشقین نیز عیناً ضبط فوق آمده است (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۶/۳۴۹۷)؛ اما هدایت در مجمع‌الفصحاء با اختلاف «دستی»، در هر دو بیت و در فرهنگ انجمن‌آرای ناصری، با اختلاف «دستی» در مصراع نخست و «کف دستی» در مصراع سوم ضبط کرده است (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/۱۷۲۷؛ همان، ۱۳۸۹: ۲۸۹).

با مقایسه ضبط‌های دو طیف از منابع مذکور، کاملاً مشخص است که ما با دو بیت متفاوت روبه‌رو هستیم و همین امر موجب سردرگمی برخی از فرهنگ‌نویسان شده؛ تا جایی که برخی سعی کرده‌اند میان همه این ضبط‌ها، ضبطی تلفیقی را برگزینند. فارغ از ضبط عجایباللغه و اختلافات جزئی، در یک نگاه کلی اختلافات ضبط بیت بدین صورت است:

مصراع اول: از پس پرده نهانی سوی چاکر نگرید؛ نرم نرمک ز پس پرده بچاکر نگرید.

مصراع دوم: گفتی از میغ همی تیغ زند گوشه ماه؛ گفتی از میغ همی تیغ زند زهره و ماه.

تا اینجا مصراع اول ایرادی از نظر تکرار مصراع با بیت نخست قطعه مذکور ندارد؛ ایراد اصلی مصححان نظیر ریاحی و سپانلو و ... متوجه مصراع دوم است. یعنی اگر ضبط «گفتی از میغ همی تیغ زند زهره و ماه» را بپذیریم، این مصراع عیناً تکرار می‌شود. ریاحی هر دو صورت را در حاشیه قطعه مذکور آورده و آن را به منزله روایت دیگر (یا نسخه‌بدلی) از بیت نخست دانسته است (ر.ک: ریاحی، ۱۳۸۶: ۹۲، ح ۱۹۰). اما اختلاف مصراع‌های نخست به گونه‌ای نیست که ضبط فرهنگ‌ها را یکسو نهمیم و آن را نادیده بگیریم.

سپانلو نیز در مقاله «بیتی بازیافته از چکامه بخارا» (مجله گوه‌ران، بهار ۱۳۸۳، شماره ۳)، نگاه خود را به این قطعه معطوف کرده و در توضیحات خود احتمال داده که مصراع دوم این بیت، با توجه به تکرار آن در بیت نخست قطعه، شاید صحو کاتب بوده باشد (ر.ک: سپانلو، ۱۳۸۳: ۱۳۶)؛ وی همچنین در پایان یادداشت خود، از مخاطبان می‌خواهد که با توجه به ویژگی‌های سبک خراسانی و شعر کسایی، نیمه گم‌شده مصراع نخست را بسرایند و به دفتر مجله ارسال کنند تا از میان آنها بهترین سروده برگزیده شود!

این یادداشت البته با استقبال استاد خالقی مطلق همراه می‌شود؛ ایشان در یادداشتی با عنوان «دستی از پرده برون آمد (نامه‌ای از آن سوی آب‌ها)» (مجله گوه‌ران، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۶، ص ۱۴۶) برای تکمیل مصراع نخست دو مصراع دیگر می‌سراید!

از نظر ما، بعید نیست هر سه بیت از یک قطعه باشند. در میان اشعار سبک خراسانی ابیاتی به چشم می‌خورد که گاه یک مضمون مشترک یا مصراعی عیناً در ابیات پس و پیش بیت یا قصیده، تکرار شده است. به عنوان مثال این دو بیت کسایی در یک قصیده و پشت سر هم آمده است:

جام کبود و سرخ نبید آر، کآسمان	گویی که جامهای کبود است پر نبید
جام کبود و باده سرخ و شعاع زرد	گویی شقایق است و بنفشه‌ست و شنبلیله

(ریاحی، ۱۳۹۶: ۷۸)

تکرار در دو مصراع نخست ابیات فوق، کاملاً بارز است. بنابراین اگرچه این احتمال وجود دارد روایت فرهنگ‌نویسان متقدم نظیر اسدی طوسی و نخجوانی با روایت عوفی متفاوت باشد، اما این احتمال نیز وجود دارد که بیت مورد بحث به صورت زیر دو بیت متفاوت از یکدیگر باشند:

دستش از پرده برون آمد چون عاج سپید      گفتی از میغ همی تیغ زند زهره و ماه  
نرم‌نرمک ز پس پرده به چاکر نگرید      گفتی از میغ همی تیغ زند گوشه ماه<sup>۹</sup>  
(از پس پرده نهانی سوی)

با وجود این، با توجه ویژگی‌های سبکی شاعر (اگر بپذیریم تکرار را در این سطح جایز می‌دانسته)، می‌توان این موضوع را حل کرد.

دو دیگر این که ممکن است سراینده ابیات مورد بحث، دو شاعر باشند که یکی از دیگری استقبال کرده و مصراعی را عیناً از او وام گرفته باشد. به عنوان نمونه، در مثال زیر این استقبال بدون ذکر نام شاعر صورت گرفته و کاملاً مشهود است. رودکی در قطعه‌ای سروده است:

شاهی که به روز رزم از رادی      زرین نهد او به تیر در پیکان  
تا کشته او از آن کفن سازد      تا خسته او از آن کند درمان  
(رودکی، ۱۳۸۶: ۴۹)

پس از رودکی سراینده‌ای نامعلوم، در مدح سلطان مودود (از پادشاهان غزنوی) سروده است:

سلطان زمانه شاه مودود آنک      از بهر عدو ز زر کند پیکان  
تا کشته او از آن کفن یابد      تا خسته او از آن کند درمان  
(مبارک‌شاه، ۱۳۴۶: ۲۶۸)

انجام سخن، این که اولاً انتساب بیت به نام رودکی در فرهنگ عجایب اللغه نادرست است؛ ثانیاً ضبط «اندک اندک» در مصراع نخست، از زمره دستکاری کاتبان و صاحبان

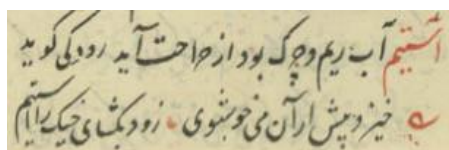


فرهنگ‌های لغت بوده؛ ثالثاً آن گونه که مصححان دیوان کسایی و برخی محققان می‌پندارند که بیت مضبوط در فرهنگ‌های لغت، روایتی دیگر از بیت مضبوط در تذکره‌های فارسی از جمله لباب‌الالباب است، لزوماً، صحیح نیست و این احتمال نیز وجود دارد که این بیت جزئی از قطعه مذکور باشد.

### ۳-۴.

خیز و پیش آر آن می خوشبوی زود بگشای خیک را استیم  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۱۰۱)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «استیم» به معنی «آب ریم و چرک بود [که] از جراحت آید»، به رودکی منتسب کرده است:



(همان، بی تا: ۱۰۴)

با نگاهی به سایر منابع که این لغت و شاهد بیت را نقل کرده‌اند، مشخص می‌شود مؤلف در تعریف واژه، ضبط مصراع نخست و انتساب بیت، مرتکب سه اشتباه شده که در ادامه، به آنها اشاره خواهیم کرد.

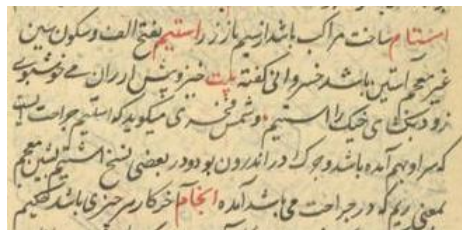
نخست، به منابع و چگونگی انتساب و ضبط بیت در آنها می‌پردازیم: از میان نسخه‌های موجود از لغت فرس اسدی، این بیت تنها در نسخه مورخ ۷۳۳ (ه.ق) مضبوط در کتابخانه واتیکان، نقل شده و مصححان لغت فرس پاول هرن، اقبال و دبیرسیاقی بر اساس این نسخه، لغت مذکور و شاهد آن را ضبط کرده‌اند<sup>۱۰</sup> (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۹۳؛ همان، ۱۳۱۹: ۳۴۸؛ همان، ۱۳۳۶: ۱۳۹).

از آنجا که دبیرسیاقی همانند پاول هرن نسخه خطی مذکور را مبنای تصحیح خود قرار داده‌اند، ضبط بیت در این دو منبع یکسان و به صورت زیر است:

خیز پیش آر از آن می خوشبوی زود بگشای خیگ را استیم

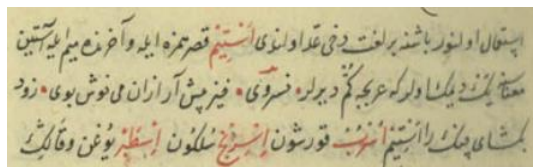
با وجود این که اقبال بیت را مستقیماً از تصحیح پاول هرن نقل کرده، اما ضبط وی با دو اختلاف «خیز و پیش آر» و «خیگ»، نسبت به این چاپ همراه است. در هر سه این منابع، لغت «استیم» را به صورت «آستین»، معنی کرده‌اند و بیت مورد بحث نیز منتسب به خسروی است. همچنین پاول هرن نام «امیر خسرو» را از سه منبع «لغت حلیمی نسخه خطی کتابخانه موزه آسیائی سن پترزبورگ»، «فرهنگ رشیدی چاپ کلکیت» و «فرهنگ شعوری»، در حاشیه نقل کرده است.

دبیرسیاقی در تصحیح مجمع‌الفرس، بجز ضبط «خوش بو»، عیناً، همانند اقبال عمل کرده است (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۶۸). در صحاح‌الفرس نیز، ضبط واژه و بیت همانند لغت فرس تصحیح اقبال است، با این تفاوت که بیت به فرخی منتسب است (ر.ک: نخجوانی، ۱۳۴۱: ۲۱۵). همچنین، در فرهنگ وفایی - که مؤلف آن را تحت تأثیر صحاح‌الفرس نگاشته، مصراع نخست بیت با اختلاف «خیز و پیش آر زان»، به خسروانی منتسب است<sup>۱۱</sup>:



(وفایی، ۱۰۰۱ [ه.ق.]: برگ ۶۸)

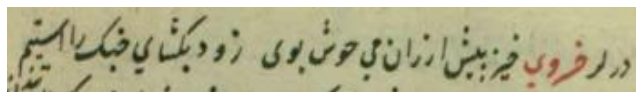
در دو نسخه لغت حلیمی (نسخه کتابخانه مجلس و کتابخانه ملی)، ضبط واژه، شاهد بیت و انتساب، همانند لغت فرس تصحیح هرن است؛ جز این که مصراع دوم بیت در این دو نسخه با اختلاف «چنگ را استیم»، ضبط شده است:



(حلیمی، بی تا، برگ ۱۳)

شایان ذکر است که در نسخه مورخ (۹۲۹ق) کتابخانه ملی، به جای «از آن»، «زان»

ضبط شده است:



(همان، ۹۲۹[ه.ق.]: برگ ۱۷)

در فرهنگ رشیدی تنها مصراع دوم بیت و با اختلافی اندک (زور بگشای) همانند لغت حلیمی ضبط شده است (تتوی، ۱۳۳۷: ۱۱۷). همچنین در فرهنگ شعوری نیز - که مؤلف آن تحت تأثیر لغت حلیمی است - ضبط فرهنگ لغت حلیمی نسخه کتابخانه مجلس مشاهده می‌شود، اما در این اثر بر خلاف دو نسخه مذکور، بیت به امیر خسرو منتسب است (شعوری، ۱۱۵۵: برگ ۱۱۷، ج ۱).

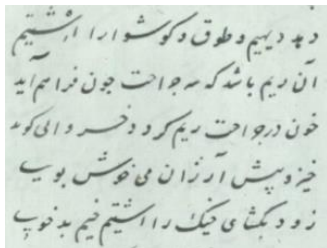
در همه منابعی که تاکنون از آنها نام بردیم، «استیم»، به معنی «آستین»، آمده نه «چرک و ریم و ...». تتوی در فرهنگ رشیدی و سروری در فرهنگ مجمع‌الفرس، هر دو بیان داشته‌اند که ابوحفص سغدی در فرهنگی که اکنون به دست ما نرسیده، این لغت را به معنی «دهانه ظروف»، به کار برده و به همین بیت متمسک شده است<sup>۱۲</sup> (ر.ک: تتوی، ۱۳۳۷: ۱۱۸؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۶۸).

پس، اولین ایراد جدی مؤلف عجایب‌اللغه، تعریف نادرستی است که برای این واژه آورده است. فساد معنی مترتب بر ضبط مذکور، از آنجا برای مخاطبان آشکار می‌شود که در بیت مورد بحث، سخن از خوش‌بویی می‌همچون مشک است و نه چرک و ریم خارج شده از درون خیک (خیگ)، که ماده‌ای متعفن و بوی‌ناک است.

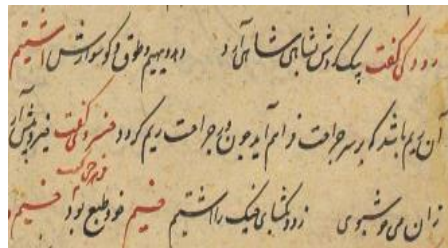
تعریفی که مؤلف برای واژه «استیم» آورده، در واقع مربوط به واژه «ستیم» است: «آن ریم و خون بود که سر جراحیست فراهم آید و آن اندر آن بماند» (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۳۴۱). در لغت فرس تصحیح پاول هرن، این واژه چنین تعریف شده است: «ستیم آن آب بود که در ریش جراحیست بود اول خون بود پس ریم گردد ستیم خوانندش. رودکی گفت:

گفت فردا بینی اورا<sup>۱۳</sup> پیش تو خود بیاهنجم ستیم از ریش تو  
(همان، ۱۸۹۷: ۹۴)

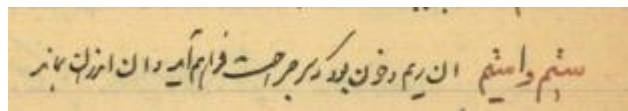
به نظر می‌رسد مؤلف فرهنگ عجایب اللغه در تدوین اثر خود، واژه، تعریف آن و شاهد بیت را از یک خانواده از نسخه‌های لغت فرس دریافت کرده باشد؛ زیرا در برخی از نسخه‌های موجود از این نسخه‌های هم خانواده لغت فرس، واژه استیم با تعریفی متمایز از دیگر نسخه‌های لغت فرس به همراه شاهد بیت مورد بحث آمده که به خسروی و خسروانی، منسوب است:



(لغت فرس کتابخانه ایاصوفیا برگ ۸۲)



(لغت فرس کتابخانه ملی برگ ۴۷)



(اسدی طوسی، ۱۲۹۷: ۶۶)

دهخدا درباره این واژه نوشته است: «در حاشیه فرهنگ اسدی نخجوانی بیت مذکور به معنی ریم جراحی آمده ولی استیم در این شعر به معنی آستین و مجازاً، دهانه است چنانکه مظفری گوید:

بگشای بشادی و فرخی      ای جان جهان استیم<sup>۱۴</sup> خی  
کامروز بشادی فرارسید      تاج شعرا خواجه فرخی»  
(دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل استیم)

ایراد جدی دیگر، مربوط به انتساب نادرست بیت به رودکی است، که در هیچ یک از منابع مورد استفاده ما سابقه ندارد. در اغلب این منابع شاعر «خسروی»، «خسروانی» و «امیرخسرو»، قید شده که نشان می‌دهد نام شاعر می‌باید خسروی یا خسروانی باشد نه رودکی یا فرخی. مدبری در کتاب *شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان*، این بیت را جزو اشعار به‌جای مانده از «خسروی سرخسی»، شاعر بزرگ دربار آل زیار در سده چهارم هجری، ذکر کرده است (ر.ک: مدبری، ۱۳۷۰: ۱۸۰). با وجود این، شاید مؤلف *عجایب‌اللغه* در تحریر اثر خود، نیم‌نگاهی نیز به واژه «ستیم» و شاهد بیت مذکور از رودکی داشته و با توجه به این‌که شباهت‌هایی در ساخت واژگانی این دو واژه بوده، در ضبط نام شاعر دچار خطا شده باشد (الله اعلم).

ایراد دیگر مربوط به ضبط مصراع نخست است؛ کاتب نسخه در این موضع نیز همانند مواضعی دیگر که حرف یا کلمه‌ای را جا انداخته، «از» یا «ز» از مصراع اول را احتمالاً به دلیل حواس‌پرتی یا کم‌دقتی، اسقاط کرده و بنابراین لازم می‌آمد رفع این نقصان، در تصحیح بیت لحاظ شود.

حاصل سخن درباره بیت مورد بحث این است که اولاً مؤلف *عجایب‌اللغه* در تعریف واژه «استیم» به معنی «آب چرک و ریم»، اشتباه کرده، این اشتباه، محصول استفاده از یک خانواده نسخ خطی لغت فرس اسدی است؛ دوم این‌که انتساب بیت به رودکی اگرچه در منبع حاضر یگانه است، اما این انتساب نیز همانند تعریف واژه اشتباه

بوده و با توجه به تواتر منابع، به احتمال زیاد بیت از شاعری به نام خسروی سرخسی (م. قرن چهارم ه.ق) است؛ سوم این که کاتب «از» یا «ز» را از مصراع نخست انداخته است.<sup>۱۵</sup>

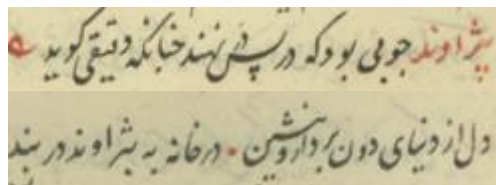
#### ۴. انتساب اشتباه ابیاتی از رودکی به دیگر شاعران

از میان شواهد موجود در فرهنگ عجایب اللغه، ما تعداد شش بیت را در ادامه بررسی خواهیم کرد که همگی یک خصوصیت بارز دارند؛ این ابیات همگی با توجه به استناد متواتر منابع معتبر، نظیر لغت فرس و سایر فرهنگ‌های لغت به نام رودکی، از جمله ابیات مسلّم رودکی تا به امروز محسوب می‌شوند؛ اما در عجایب اللغه، این ابیات به شاعرانی دیگر نظیر: دقیقی، بوشکور، فردوسی و ابوالعباس، منسوب شده که اشتباه هستند. (مگر آنکه سندی کهن و قطعی مبنی بر تأیید انتساب بیت به هر کدام از این شاعران در آینده یافت شود). اکنون به بررسی این قسم شواهد و انتساب آنها در فرهنگ حاضر و سایر منابع می‌پردازیم:

#### ۴-۱.

دل از دنیای دون بردار و بنشین در خانه به پژاوند در بند  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۲۶)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «پژاوند»<sup>۱۶</sup> به معنی «چوبی بود که در پس در نهند»، به نام دقیقی ضبط کرده است:



(همان، بی تا: ۲۶-۲۷)

مدبری در حاشیه نوشته است: «در کتب لغت این بیت با تغییرات زیاد وزنی دیگر به رودکی نسبت داده شده» (همان، ۱۳۸۹: ۲۵، ح ۵). نفیسی در چاپ نخست این بیت را با استناد به لغت فرس چاپ هرن (اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۲۸)، نسخه مورخ (۸۷۷.ق) و نسخه مورخ (۷۲۱.ق)، و در چاپ دوم با استناد به دو چاپ دیگر از لغت فرس چاپ اقبال و چاپ دبیرسیاقی (همان، ۱۳۱۹: ۸۷؛ همان، ۱۳۳۶: ۳۶) و صحاح‌الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۷۵)، آن را جزو ابیات پراکنده رودکی ضبط کرده است:

دل از دنیا بردار و بخانه بنشین پست      فرابند در خانه بفلج و پژاوند  
(نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۵۵؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۲۲)

با وجود این مشخص است که صورت اصیل بیت همان است که در سرچشمه اصلی خود، یعنی فرهنگ‌های لغت فرس و صحاح‌الفرس آمده و بیت وارد شده در عجایب‌اللغه را شخصی پیش از وی در منابع به صورت مخدوش ضبط کرده و ادیبی یا شخصی دیگر آن را به صورت مذکور ساده‌تر کرده است.

شاهد این مدعا ضبط‌های متفاوت دو فرهنگ قواس و دانشنامه قدرخان است؛ در فرهنگ قواس ضبط بیت بدین صورت است:

بردار دل از دنیا بنشین تو بخانه خویش      بربند در خانه بفلج و پژاوند  
(قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۲۷)

فاروقی نیز این بیت را با ضبط کاملاً متفاوت در دانشنامه قدرخان ارائه داده است: ز دنیا دل خویش بردار و بنشین      فروبند در را بفلج و پژاوند  
(فاروقی، ۸۰۷.ق: برگ ۴۵)

تواند کرد      رودکی کوید  
ز دنیا دل خویش بردار و بنشین

نویسند در اینجمله پژوهشگر

(دانشنامه قدرخان، نسخه عکسی دانشگاه تهران برگ ۴۵)

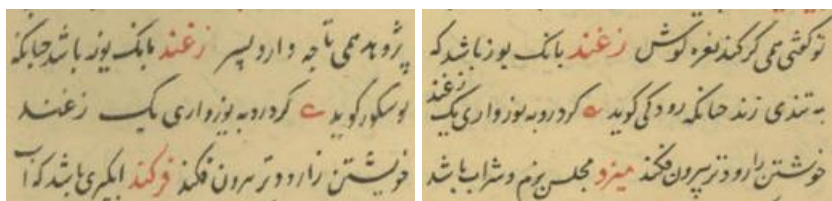
این دو فرهنگ چنان که ذکر شد، ضبطی متفاوت با سایر فرهنگ‌ها ارائه داده‌اند و چنین به نظر می‌رسد که مأخذ آنها برای ضبط بیت نسخه مغلوطی از لغت فرس اسدی بوده و در این صورت هر کدام به نحوی سعی در اصلاح آن داشته‌اند.

۲-۴.

کرد روبه یوزواری یک زغند<sup>۱۷</sup> خویشتن را زودتر بیرون فکند

(ادیبی، ۱۳۸۹: ۲۷-۳۱)

ادیبی این بیت را دو بار ذیل واژه «زغند» به معنی «بانگ یوز باشد که به تندی زند»، ضبط کرده است. وی در یک موضع بیت را به نام رودکی و در موضعی دیگر به نام بوشکور نقل کرده است:



(همان، ۳۱)

(همان، بی تا: ۲۸)

بیت مورد بحث از جمله ابیات پراکنده باقی مانده از مثنوی سندبادنامه در داستان «روباه و کفشگر و اهل شارسستان» است (ر.ک: دبیرسیاقی، ۱۳۳۴: ۲۲۳؛ رودکی، ۱۳۹۱ [الف]: ۱۷۶) که نفیسی آن را از نسخه‌های خطی و منابع لغت با اختلاف «خویشتن را زان میان»، در هر دو چاپ محیط زندگی... رودکی، ضبط کرده است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۸۳؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۳۵). این منابع<sup>۱۸</sup> عبارت اند از: لغت فرس چاپ هرن، اقبال و دبیرسیاقی (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۲۹؛ همان، ۱۳۱۹: ۸۹؛ همان، ۱۳۳۶: ۳۸)، فرهنگ رشیدی (تتوی، ۱۳۳۷: ۷۸۶)، مجمع‌الفرس (سروری



کاشانی، ۱۳۳۸: ۷۰۰)، فرهنگ شعوری (شعوری: ۱۱۵۵، برگ ۴۹، ج ۲)، فرهنگ انجمن آرای ناصری (هدایت، ۱۲۸۸: ۴۳۴)، صحاح‌الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۷۹).

بنابراین، انتساب بیت به بوشکور در فرهنگ عجایب‌اللغه، هیچ وجهی ندارد و به نظر می‌رسد این اشتباه، ناشی از اغماض کاتب در موضع دوم ضبط بیت باشد. شایان ذکر است که مصراع دوم این بیت در تصحیح نفیسی و به تبعیت از آن در سایر چاپ‌های دیوان رودکی، با اختلاف «خویشتن را زان میان»، ضبط شده است (میرزایف، ۱۹۵۸: ۵۵۸؛ رودکی، ۱۳۷۴: ۵۳؛ همان، ۱۳۷۸: ۷۷؛ همان، ۱۳۸۶: ۱۰۱؛ همان، ۱۳۸۷: ۲۴۷؛ همان، ۱۳۸۸: ۲۳۰؛ همان، ۱۳۹۱ الف: ۷۸؛ همان، ۱۳۹۱ ب: ۸۸؛ همان، ۱۳۹۶: ۲۳۰؛ جنیدی جعفری، ۱۳۹۴: ۲۷۴). در برخی فرهنگ‌ها نظیر لغت فرس تصحیح پاول هرن، دبیرسیاقی، صحاح‌الفرس این مصراع با اختلاف «خویشتن را شد بدر»، در فرهنگ شعوری، وفایی و ...، با اختلاف «خویشتن را از میان»، ضبط شده است. همچنین در لغت‌نامه ضبط «خویشتن را شد بدان»، به عنوان نسخه بدل آمده است (دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل روبه).

با این حساب ضبط فرهنگ عجایب‌اللغه را می‌بایست ضبطی تازه دانست. اما با بررسی نسخه‌بدل‌های فوق، می‌توان سیر تغییر و تحول ضبط مصراع را از سرچشمه آن بدین صورت تشریح کرد:

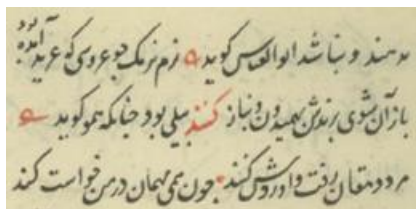
اگر بپذیریم ضبط نسخه مادر به صورت «شد بدر» بوده، این ضبط در خوانش بعد به صورت «تندتر»، تغییر یافته است؛ بدنیس بودن نسخه مادر یا بدخوانی کاتب، همواره موجب تبدیل حروف همسان به یکدیگر در متون شده و این عمل در فن کتابت «تحریف» نام دارد. تحریف معمولاً به دلیل بدخوانی رخ می‌دهد و شباهت حروف در خط و زبان فارسی این معضل را در متون تشدید می‌کند. (درباره «تحریف» بنگرید به: مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۴۵).

تغییر «تندتر» به «زودتر»، در ضبط یک واژه، تبدیل یک واژه به مترادف آن است که این امر نیز سلیقه‌ای بوده و معمولاً کاتبان قرن ۸ به بعد از آن استقبال می‌کرده‌اند. در فرهنگ حاضر نیز چنین دستکاری‌هایی دیده می‌شود. بنابراین، روند این تغییر را می‌توان بدین صورت نشان داد: «شد بدر» < «تندتر» < «زودتر». با وجود این، ضبط فرهنگ حاضر اگرچه ضبطی تازه است، اما ضبطی مردود و برساخته به نظر می‌رسد. ناگفته نماند که در فرآیند تصحیح متون، این گونه ضبط‌ها می‌تواند به مصححان در بازیابی صورت اصیل ابیات کمک شایانی کند. همچنین شایان ذکر است که روای قی در تازه‌ترین تصحیح از دیوان رودکی، ضبط «شد بدر» را از میان ضبط‌های موجود برگزیده است (ر.ک: رواقی، ۱۳۹۹: ۷۹ و ۴۷۷).

#### ۳-۴

مرد دهقان رفت و آوردش کنند چون همی مهمان در من خواست کند  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۳۱)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «کنند» به معنی «بیلی بود»، به نام ابوالعباس، آورده است:



(همان، بی تا: ۱۷)

ادیبی پیش از این بیت، بیتی دیگر را به شاهد واژه «غرید»، به نام ابوالعباس آورده و در اینجا نام شاعر را «همو» نوشته است. مدبری نیز در حاشیه آن نوشته است: «ظاهراً منظور از «همو» ابوالعباس است که بیت قبل ازوست. اما این بیت در فرس و صحاح به رودکی منسوب است» (همان، ۱۳۸۹: ۳۱، ح ۴).

این بیت بر وزن کلیله و دمنه منظوم رودکی است و قطعاً انتساب آن به ابوالعباس اشتباه است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۸۴؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۳۵).

در لغت فرس و صحاح‌الفرس و منابع دیگر، مصراع نخست با اختلاف «مرد دینی»، ضبط شده (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۹۰؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۸۳) و همین ضبط درست است. موضع این بیت در داستان مربوط به حکایت «موش و زاهد و میهمان او» است: «تبری طلب تا سوراخ را بگشایم و بنگرم که او را ذخیرتی و استظهاری هست که بقوت آن اقدام می‌تواند نمود. درحال، تبر بیاوردند...» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۷۳).

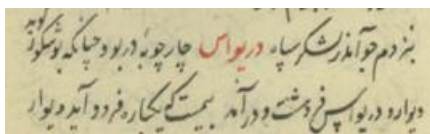
شایان ذکر است که دو بیت دیگر از این داستان به دست ما رسیده که نشان می‌دهد ضبط «دینی» درست است و ضبط «دهقان»، کاملاً برساخته است:

گفت دینی را که این دینار بود      کین فژاگن موش را پروار بود  
(رودکی، ۱۳۹۱ الف: ۷۵)

#### ۴-۴.

دیوار و دریواس فروهشت و درآمد      بیم است که یکبار فرود آید دیوار  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۵۹)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «دریواس» به معنی «چارچوب در»، به نام بوشکور ضبط کرده است:



(همان، بی تا: ۶۱)

مدبری در حاشیه بیت نوشته است: «در فرهنگ‌ها به رودکی منسوب است» (همان، ۱۳۸۹: ۵۹، ح ۱). شایان ذکر است که در نسخه، «یکبار» به صورت «یکباره» ضبط شده؛ اما مصحح در حاشیه به این اختلاف اشاره نکرده است.

نفیسی در چاپ اول و دوم محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی، این بیت را ضمن قطعه‌ای با مطلع زیر جزء اشعار رودکی نقل کرده است:

ای عاشق دل‌داده بدین جای سپنجی  
همچون شمنی شیفته بر صورت فرخار  
(نفیسی، ۱۳۱۹: ۹۹۹؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۰۱)

نفیسی مصراع نخست بیت مورد بحث را با اختلاف «درواز و دریواز فروگشت و برآمد»، ضبط کرده و به این منابع ارجاع داده است: لغت فرس چاپ اقبال (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۹۶)، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی (تنوی، ۱۳۳۷: ۶۶۱-۶۶۲)، مجمع‌الفرس (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۵۲۷)، فرهنگ شعوری (شعوری، ۱۳۵۵: ۴۱۵، ج ۱)، فرهنگ انجمن آرای ناصری (هدایت، ۱۳۳۸: ۳۷۵)، صحاح‌الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۴۳). نفیسی ضبط «درواز و دریواز» را بر اساس برخی نسخه‌های خطی مجمع‌الفرس برگزیده (ر.ک: سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۵۲۷، ح ۵) در حالی که غالب فرهنگ‌های مذکور «دیوار و دریواس»، ضبط کرده‌اند.<sup>۱۹</sup>

همچنین در همه فرهنگ‌های لغت (بجز برخی از نسخه‌های خطی لغت فرس: نسخه خطی مورخ ۷۲۱ق (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۴: برگ ۳۷؛ همان، ۱۲۹۷: ۴۳) و نسخه خطی سفینه تبریز (برگ ۳۰۹) و حاشیه نسخه خطی لغت فرس نخجوانی (ص ۶۶) و فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (ص ۱۰۸) که نام شاعر را ندارند و فرهنگ عجایب‌اللغه که به نام بوشکور است) این بیت ذیل واژه «دریواس»، به نام رودکی ضبط شده و دیگر جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که ضبط اصلی واژه «دریواس» و بیت از رودکی است.

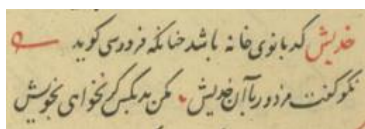
تنها در صورتی می‌توان به این ضبط و انتساب با دیده تردید نگاه کرد که منبعی معتبرتر از این منابع یافت شود و یافته‌های پیشین را نقض کند. (برای بررسی بیشتر درباره واژه «دریواس»، بنگرید به: رواقی، ۱۳۹۹: ۲۰۳).

نکته دیگر درباره ضبط عجایب‌اللغه، «فروهشت و درآمد» است که در بین منابع مورد جستجوی نگارندگان جستار حاضر سابقه نداشته است. بررسی این ضبط نیاز به تأمل بیشتری در منابع دارد که به دلیل کمبود برخی از آنها به پژوهش‌های بعدی واگذار خواهد شد.

#### ۴-۵.

نکو گفت مزدور با آن خدیش مکن بد به کس گر نخواهی به خویش  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۶۳)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «خدیش» به معنی «کدبانوی خانه»، به نام فردوسی ضبط کرده است:



(ادیبی، ۱۳۸۹: ۶۶)

مدبری در حاشیه برای این بیت یادداشتی نیآورده است. نفیسی در بخش ابیات پراکنده از بحر متقارب، با استناد به منابع متعددی بیت مورد بحث را جزء اشعار رودکی نقل کرده است (نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۹۹؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۴۲). این منابع عبارت است از: لغت فرس چاپ هرن، اقبال و دبیرسیاقتی (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۵۳؛ همان، ۱۳۱۹: ۲۰۶؛ همان، ۱۳۳۶: ۷۵)، فرهنگ رشیدی (تتوی، ۱۳۳۷: ۵۷۴)، مجمع‌الفرس (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۴۴۳)، فرهنگ شعوری (شعوری، ۱۱۵۵: ۳۶۷، ج ۱)، لغت حلیمی (حلیمی، بی‌تا: برگ ۶۳)، و فرهنگ متعلق به کتابخانه مدرسه علوم سیاسی تهران.

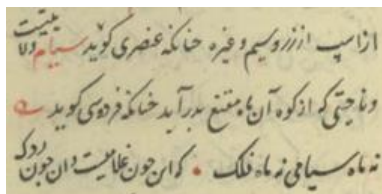
شایان ذکر است که نفیسی در استنادات خود، این بیت را به صحاح‌الفرس نیز ارجاع داده؛ اما در این فرهنگ بیت به نام «حکیم سوزنی»، ضبط شده است (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۵۰). همچنین نفیسی در حاشیه چاپ نخست تصریح کرده است که

بیت مورد بحث در لغت شاهنامه (لغت شهنامه عبدالقادر بغدادی) بدون نام شاعر ضبط شده (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۹۹، ج ۷)؛ حال آن که بنا به گفته خدیو جم (مصحح فرهنگ معجم شاهنامه)، شواهد ابیات موجود در این فرهنگ، برگرفته از معجم شاهنامه طوسی است<sup>۲۰</sup> (ر.ک: العلوی الطوسی، ۱۳۵۳: ۱۴۹). با این حال، چون در معجم شاهنامه بیت به نام فردوسی ضبط شده (ر.ک: همان: ۴۷)، احتمالاً، بغدادی نیز با توجه به معجم شاهنامه بیت را ضبط کرده است. با وجود این، شاید ضبط بیت و انتساب آن به فردوسی در فرهنگ عجایب اللغه نیز با توجه به معجم شاهنامه طوسی باشد؛ زیرا در همه منابع مذکور بجز صحاح الفرس، بیت مورد بحث به نام رودکی ضبط شده است.

#### ۶-۴.

نه ماه سیامی نه ماه فلک      که این چون غلامیست و آن چون ردک  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۹۸)

ادیبی این بیت را ذیل واژه «سیام» به معنی «ولایتی است و ناحیتی که از کوه آن ماه مقنّع به در آید»<sup>۲۱</sup>، به نام فردوسی، ضبط کرده است:



(ادیبی، بی تا: ۱۳۸۹)

مدبری در یادداشتی نوشته است: «در فرس و صحاح و مجمع «رودکی» ذکر شده و

بیت شاهد بدین صورت است:

نه ماه سیامی نه ماه فلک      که اینت غلامست و آن پیشکار  
(همان، ۱۳۸۹: ۹۸، ح ۱)

همچنین ایشان در حاشیه ضبط «ردک» - که در متن جلوی آن علامت سوال گذاشته - نوشته است: «شاید زرک» (همانجا، ح ۲).

نفیسی در هر دو چاپ محیط زندگی... رودکی، بیت را به صورت فوق (یادداشت مدبری)، ضبط کرده و به منابع متعدد و معتبری نظیر لغت فرس اسدی، صحاح الفرس نخجوانی و ...<sup>۲۲</sup> ارجاع داده است (نفیسی، ۱۳۱۹: ۹۹۵؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۰۱). اما مهم‌ترین نکته درباره ضبط مصراع دوم و انتساب بیت به فردوسی این است که شواهد نشان می‌دهد ادیبی و پس از وی عبدالقادر بغدادی برای ضبط واژه و بیت از فرهنگی منحصر به فرد در باب لغات شاهنامه سود جسته باشند (درباره فرهنگ‌های شاهنامه ر.ک: خطیبی، ۱۳۷۹: ۴۰-۴۷). به هر حال، در فرهنگ شاهنامه عبدالقادر بغدادی ضبط بیت با اختلافی جزئی نسبت به عجایب‌اللغه «نه ماه سیام و نه...»، آمده است (العلوی الطوسی، ۱۳۵۳: ۱۶۷).

«ردک» مخفف «ریدک» به معنی غلام بچه است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل ریدک). حذف «پیشکار» و جایگزینی «ردک» به جای آن در پایان مصراع دوم، به احتمال بسیار زیاد برای پر کردن وزن و جور کردن قافیه بوده و فردی که در آن دست برده، آن را متناسب با واژه «غلام»، آورده و نشان‌دهنده آشنائی وی با لغات بوده است. بنابراین ضبط بیت و انتساب آن در فرهنگ عجایب‌اللغه و فرهنگ لغت شاهنامه عبدالقادر بغدادی مردود است.

## ۵. نتیجه‌گیری

نقد و بررسی منابع مستند اشعار رودکی به‌ویژه فرهنگ‌های لغت که سهم بسزایی در بازیابی سروده‌های شاعران پیشگام داشته‌اند، می‌تواند به مصححان و پژوهشگران در فهم دقایق و نقاط ضعف و قوت هر یک از آنان، کمک شایانی بکند.

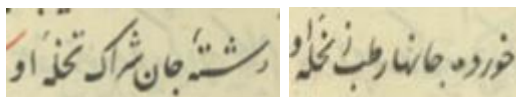
ما، در پژوهش حاضر با توجه به این مهم، یک فرهنگ لغت فارسی به فارسی را، با شواهد متعدد از رودکی بازمانده از قرن دهم هجری قمری، بررسی و تعداد ده بیت از آن را نقد کردیم. چهار بیت نخست، ابیاتی بودند که انتساب آنها به رودکی مردود است و در آن تردیدی نیست؛ ما این نکته را با مراجعه به منابع متعدد، با تفصیل بیشتری نسبت به تصحیح و یادداشت‌های مدبری (مصحح عجایب اللغه) تبیین کردیم. در بخش دوم مقاله، شش بیت دیگر بررسی شد که در منابع پیشین به نام رودکی ضبط شده، اما ادیبی آنها را به شاعرانی دیگر منسوب کرده است. علاوه بر این، درباره ضبط ابیات و لغات نیز بحث کردیم و نقاط ضعف و قوت این فرهنگ را با توجه به دیگر فرهنگ‌ها نشان دادیم.

امید است در آینده، هر یک از سرچشمه‌ها و منابع مستندی که شعر شاعران پیشگام را در خود دارد و بعضاً بدون نقد و بررسی کار مؤلف یا کاتب آن، مستقیماً مورد استفاده مصححان و پژوهشگران واقع می‌شود، با دقتی افزون‌تر بررسی گردد و نقاط ضعف و قوت آنها نموده شود تا در امر خطیر بازیابی شعر شاعران پیشگام، که سنگ بنای کاوش‌های سایر محققان جامعه ادبی محسوب می‌شود، کمتر گرفتار لغزش و خطا شویم.

#### پی‌نوشت‌ها

۱- مدبری (مصحح کتاب) حرف «که» را بر اساس ضبط سایر فرهنگ‌ها به این مصراع افزوده و علامت میان دو گروه، حاکی از تصحیح قیاسی وی است. با توجه به این تصحیح، ایشان می‌باید مصراع نخست را بدین صورت خوانش کرده باشد: «یکی جامه و بادروده قوت». حال آنکه کاتب مصراع فوق را بدین صورت نوشته است: «یکی جامه و بادروده قوت» و گویا مصحح محترم همزه بالای حرف «ه» را نادیده گرفته است. در دو تصویر زیر نیز همزه حرف «ه»، بالای واژه‌های «رشته»، «تخله» و «نخله»، به صورت ریز کتابت شده است:





(ادیبی، بی تا: ۱۲۸)

۲- برای بررسی شواهد بنگرید به بیتی دیگر از کسایی (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۲۴۷؛ ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۰۴)، تفسیر کمبریج (۱۳۴۹: ۱/۳۶)، مقامات حمیدی (بلخی، ۱۳۶۵: ۲۲)، تاج‌المآثر (به نقل از فرهنگ رشیدی ر.ک: تنوی، ۱۳۳۷: ۱۹۶) و شاید شاهنامه فردوسی (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل بادروزه؛ فردوسی، ۱۳۸۶: ۳/۶۳).

۳- در سامی فی الاسامی، به صورت «جامه بادروزه»، به کار رفته است (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۱: ۲۲). تویسرکانی در فرهنگ جعفری و سروری در مجمع‌الفرس، علاوه بر «بادروزه»، «باروزه» را نیز به همان معنی بادروزه آورده‌اند (ر.ک: تویسرکانی، ۱۳۶۲: ۱۰۷؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۲۰۳) هم‌چنین برای بررسی بیشتر این واژه (ر.ک: خامسی همامه، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

۴- مصراع دوم در این فرهنگ به صورت: «دگر زین همه بیشی و سیربست»، ضبط شده است. ۵- این بیت در چهار نسخه خطی از نسخه‌های موجود لغت فرس اسدی (نسخه مورخ ۸۷۷ق، نسخه کتابخانه ایاصوفیا، نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه کتابخانه ملی) آمده که همه آنها بیت را به کسایی نسبت داده‌اند. ناگفته نماند که این نسخه‌ها از مجموع نسخ لغت فرس در یک خانواده قرار می‌گیرند.

۶- در نسخه به صورت «جو» و بدون نقطه ضبط شده است.

۷- در تصحیح تن هوی جو (Ten Hyo Jo)، مصراع نخست با اختلاف: «طاعت او»، ضبط شده که در هیچ نسخه‌ای از نسخ دیوان فرخی و فرهنگ‌های لغت سابقه ندارد.

۸- هر دو واژه «تیغ» را به معنی «شعاع آفتاب و ماه» آورده‌اند.

۹- «گوشه ماه» در برخی از دیوان‌های شعری آمده است. به عنوان نمونه:

گوشه ماه ز برقع بنما تا چو هلال شود انگشت‌نمای همه عالم رویت

(ساوجی، ۱۳۷۱: ۴۰۰)

چو بردارد نقاب از گوشه ماه برآید ناله صد یوسف از چاه

(نظامی، ۱۳۹۲: ۳۴۹)

آن سمن عارض من کرد بناگوش سیاه دو شب تیره برآورد ز دو گوشه ماه  
(فرخی سیستانی، ۱۳۸۰: ۳۵۹)

- ۱۰- در لغت فرس تصحیح مجتبابی و صادقی، این لغت و شاهد آن ضبط نشده است.
- ۱۱- در نسخه چاپی این فرهنگ به تصحیح تن هوی جو، شاهد بیت نقل نشده است (ر.ک: وفایی، ۱۳۷۴: ۲۱).
- ۱۲- در این دو اثر و فرهنگ و وفایی و برخی فرهنگ‌های دیگر، نوشته‌اند که واژه «استیم» به صورت «اشتیم» نیز به نظر رسیده است.
- ۱۳- این ضبط در منابع دست‌خوش تغییرات متعددی شده است. «فردا بکشم اورا»، «فردا نشتر آرم»، «دایم نشتر آرم» و ... برخی از نسخه‌بدل‌های این مصراع است.
- ۱۴- ضبط دهخدا در این وضع به همین صورت است و ذیل واژه آستین، به صورت «آستین»، آورده است. در فرهنگ اسدی نسخه نخجوانی (اسدی طوسی، ۱۳۱۲: ۱۸۰)، صحاح‌الفرس (نخجونی، ۱۳۴۱: ۳۰۰)، لغت حلیمی (حلیمی، بی‌تا، برگ ۷۱) و ... ذیل واژه «خی» به معنی «خیک»، این واژه به صورت «آستین»، ضبط شده است.
- ۱۵- مدبری در تصحیح فرهنگ عجایب اللغه، بیت را به نام رودکی ضبط کرده و در پانویس، انتساب بیت را به نام خسروی در فرهنگ لغت فرس و مجمع‌الفرس و به انتساب فرخی در صحاح‌الفرس و خسروانی در نسخه‌بدل‌های مجمع‌الفرس یادآور شده است. ضمناً وی با توجه به همین منابع، معنی «دهانه ظروف» و «آستین» را متذکر شده است (ر.ک: ادیبی، ۱۳۸۹: ۱۰۱، ح ۲).
- ۱۶- درباره واژه «پژاوند»، نیز مطابق جستجوی ما، شاهد متقدمی برای کاربرد این واژه یافت نشد. اما در همه فرهنگ‌های لغت، واژه به این صورت و صورت‌های دیگر نظیر «پژوند»، «پژاون» و ... نیز آمده است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل پژاوند، پژوند و پژاون). رواقی در بخش تعلیقات دیوان رودکی، درباره ریشه این واژه اظهار نظر نکرده و به ذکر دو شاهد اکتفا کرده است که یکی شکل دیگری از واژه «بژافند» است (ر.ک: رواقی، ۱۳۹۹: ۳۲۵). به هر روی، از آنجا که شکل واژه «پژاوند» در اغلب منابع لغت به همین صورت است، درباره احتمال ارتباط آن با صورت‌های دیگر نظیر «پشتابند» (=پشتبند) و ... می‌بایست درنگ کرد.

- ۱۷- در برخی از فرهنگ‌ها به صورت «ژغند»، ضبط شده است. معنی مصراع نیز چنین است: «روپاه غرشی یوزوارانه کرد».
- ۱۸- در برخی از منابع مصراع نخست با اختلاف «ژغند» و مصراع دوم در لغت فرس چاپ هرن و نسخه ۸۷۷ ه.ق با اختلاف «شد بدر» ضبط شده است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۸۳، ج ۷-۸).
- ۱۹- در فرهنگ انجمن‌آرا به صورت «درواز و دریواس»، ضبط شده است.
- ۲۰- البته، ضبط مصراع نخست این بیت در لغت شهنامه به صورت «چه خوش گفت آن مرد با آن خدیش» است که با ضبط معجم شاهنامه (همسان با ضبط عجایب‌اللغه)، متفاوت است.
- ۲۱- دهخدا به نقل از چند فرهنگ، درباره سیام آورده است: «نام کوهی است مابین سمرقند و تاشکند و بسمرقند نزدیک است. گویند مقنع خراسانی که او را حکیم بن عطا می‌گفتند بزور سحر و شعبده مدت دو ماه از چاهی که در عقب کوه سیام کنده بود، ماهی برمی آورد و آن ماه از پس آن کوه طلوع می‌کرد و تا پنج فرسخ در پنج فرسخ نور آن ماه می‌تافت». وی دو شاهد از شعر فرخی نیز برای واژه «سیام» آورده که نام یک کوه است (برای مطالعه بیشتر در این باره، ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل سیام).
- ۲۲- برای مشاهده شماره صفحات برخی از این منابع، (ن.ک: رودکی، ۱۳۸۶: ۳۵، ج ۱).

## منابع

### الف) کتاب‌ها

۱. ادیبی (۱۳۸۹)، عجایب‌اللغه (فرهنگ فارسی به فارسی)، به تصحیح محمود مدبری، کرمان: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.
۲. \_\_\_\_\_ (بی تا)، عجایب‌اللغه، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۲۱۹۲.
۳. اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد (۱۲۹۷)، فرهنگ فارسی (لغت فرس)، نسخه خطی تصحیح و تحریر سعید نفیسی از روی نسخه مورخ ۷۲۱ق، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۵۵۳۲.

۴. \_\_\_\_\_ (۱۸۹۷م)، کتاب لغت فرس، به سعی و اهتمام پاول هرن، برلین (شهر: گُتنگن): مطبع دیتریخ.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۱۲)، نسخه خطی لغت فرس نخجوانی با عنوان «مشکلات در پارسی دری» به خط عبرت نائینی، کتابت شده از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۶۶ و کتابت حسام‌الدین حافظ ملقب به نظام تعریفا، کتابخانه مجلس، ش ۵۵۶۹.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۱۴)، فرهنگ اسدی طوسی، کتابت عبدالوهاب حسینی، کتابت از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۲۱ق، کتابخانه مجلس، شماره بازیابی ۱۵۶۱۱.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۱۹)، کتاب لغت فرس، تصحیح عباس اقبال، تهران: مجلس.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۳۶)، لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۵)، لغت فرس «لغت دری»، تصحیح فتح‌الله مجتبیایی و علی‌اشرف صادقی، تهران: خوارزمی.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۵۷۲۱ق)، لغت فرس اسدی طوسی (بخشی از سفینه تبریز)، کتابت ابوالمجد تبریزی، کتابخانه مجلس، ش ۱۴۵۹۰.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۷۲۲ق)، لغت فرس، نسخه خطی کتابخانه ملک، شماره ۵۸۳۹.
۱۲. \_\_\_\_\_ (بی‌تا[الف])، فرهنگ حضرت صدرالافضل ابومنصور علی‌بن احمد الاسدی الطوسی، (بی‌کا)، نسخه خطی متعلق به جلال‌الدین همایی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۲۰۳۸۸، شماره کتابشناسی ملی ۲۶۸۸۸۰۰.
۱۳. \_\_\_\_\_ (بی‌تا[ب])، لغت الفرس (کتاب اللغه بالفارسیه)، نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه، شماره ۴۷۴۳.
۱۴. اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۹)، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفين، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کار و آمنه فخر احمد، جلد ۳، تهران: میراث مکتوب.

۱۵. بلخی، حمیدالدین ابوبکر بن عمر محمودی (۱۳۶۵)، *مقامات حمیدی*، به تصحیح رضا انزابی‌نژاد، تهران: نشر دانشگاهی.
۱۶. تبریزی، محمد حسین بن خلف (۱۳۳۵)، *برهان قاطع*، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
۱۷. تتوی، عبدالرشید بن عبدالغفور (۱۳۳۷)، *فرهنگ رشیدی*، به کوشش محمد عباسی، تهران: انتشارات کتابخانه بارانی.
۱۸. *تفسیر کمبریج* (۱۳۴۹)، به تصحیح جلال متینی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۹. تویسرکانی، محمد مقیم (۱۳۶۲)، *فرهنگ جعفری*، تصحیح تحشیه و تعلیق سعید حمیدیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۰. جاروتی، ابوالعلاء عبدالؤمن (۱۳۵۶)، *فرهنگ مجموعه الفرس*، به تصحیح عزیزالله جوینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۱. جمال‌الدین انجو، حسین بن حسن (۱۳۵۹)، *فرهنگ جهانگیری*، به کوشش رحیم عفیفی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۲۲. حافظ اوبهی، سلطان علی هروی (۱۳۶۵)، *تحفه الاحباب*، به کوشش فریدون تقی‌زاده طوسی، نصرت‌الزمان ریاضی هروی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۳. حلیمی، لطف‌الله (۹۲۹-۹۳۰)، *شرح بحرالغرائب*، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ثبت ۱۸۱۱۸-۵.
۲۴. \_\_\_\_\_ (بی‌تا)، *شرح بحرالغرائب*، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره بازبایی ۸۶۱.
۲۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. رواقی، علی (۱۳۹۹)، *سروده‌های رودکی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۲۷. رودکی، جعفر بن محمد (۱۳۷۴)، *دیوان رودکی*، شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، تهران: توس.

۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، دیوان شعر رودکی (با شرح و توضیح)، پژوهش تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران: قطره.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، دیوان اشعار رودکی، تصحیح و ویرایش و توضیح نصرالله امامی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، دیوان اشعار ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی، متن علمی انتقادی با کوشش و اهتمام رسول هادی زاده و علی محمدی خراسانی، دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، دیوان اشعار رودکی، تصحیح و مقابله نادر کریمیان سردشتی، تهران: بنیاد فرهنگی هنری رودکی.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ الف)، دیوان ابو عبدالله جعفر بن محمد ابن حکیم ابن عبدالرحمان ابن آدم رودکی سمرقندی، تهیه، تصحیح، پیشگفتار و حواشی قادر رستم، زیر نظر صفر عبدالله، برگردان شاه منصور شاه میرزا، تهران: مؤسسه فرهنگی اکو.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ ب)، دیوان رودکی (با توضیح و نقد و تحلیل اشعار)، کامل احمدنژاد، تهران: کتاب آمه.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، دیوان رودکی (۱۰۹۸ بیت به دست آمده تا امروز و شرح احوال و آثار او)، تصحیح جهانگیر منصور، چاپ سوم، تهران: دوستان.
۳۵. ریاحی، محمد امین (۱۳۸۶)، کسایب مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او، چاپ دوازدهم، تهران: علمی.
۳۶. ساوجی، سلمان (۱۳۷۱)، دیوان سلمان ساوجی، با مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت، تهران: سلسله نشریات «ما».
۳۷. سروری کاشانی، محمد قاسم بن محمد (۱۳۳۸)، فرهنگ مجمع الفرس، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات کتابفروشی علمی.

۳۸. شعوری، حسین بن عبدالله (۱۱۵۵)، فرهنگ شعوری (لسان‌العجم)، چاپ سنگی، قسطنطنیه: دارالمطبعة معموره.
۳۹. علوی طوسی، محمد بن الرضا بن محمد (۱۳۵۳)، معجم شاهنامه، تصحیح و تألیف و ترجمه حسین خدیو جم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۴۰. عوفی، محمد (۱۳۶۱)، لب‌الباب، بسعی و اهتمام ادوارد براون، ترجمه محمد عباسی، تهران: کتاب فروشی فخر رازی، جلد ۲.
۴۱. فاروقی، اشرف‌ابن شرف‌المذکر (۸۰۷ق)، دانشنامه قدرخان، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۶۳۸.
۴۲. فرخی سیستانی، علی بن جولوغ (۱۳۸۰)، دیوان حکیم فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ ششم، تهران: زوآر.
۴۳. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر سوم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۴۴. فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (منسوب به قطران) (۱۳۸۰)، تصحیح دکتر علی‌اشرف صادقی، تهران: سخن.
۴۵. قواس غزنوی، فخرالدین مبارکشاه (۱۳۵۳)، فرهنگ قواس، به تصحیح نذیر احمد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۶. مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه مجلس.
۴۷. مبارکشاه، محمد بن منصور بن سعید (۱۳۴۶)، آداب‌الحرب و الشجاعة، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
۴۸. مدبری، محمود (۱۳۷۰)، شرح احوال شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳، ۴، ۵ هجری قمری، تهران: پانوس.

۴۹. منجیک ترمذی، علی بن محمد (۱۳۹۱)، *دیوان منجیک ترمذی*، به کوشش احسان شواربی مقدم، تهران: میراث مکتوب.
۵۰. میرزایف، عبدالغنی (۱۹۵۸)، *ابوعبدالله رودکی و آثار منظوم رودکی* (تحت نظر ی. براگینسکی)، استالین آباد: نشریات دولتی تاجیکستان.
۵۱. نخجوانی، هندوشاه (۱۳۴۱)، *صحاح الفرس*، به اهتمام عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۲. نصرالله منشی (۱۳۸۹)، *ترجمه کلیله و دمنه انشای ابوالمعالی نصرالله منشی*، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۵۳. نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۲)، *خسرو و شیرین*، تصحیح بهروز ثروتیان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
۵۴. نفیسی، سعید (۱۳۱۹)، *احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی*، جلد ۳، تهران: شرکت کتابفروشی ادب.
۵۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۴۱)، *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
۵۶. وفایی، حسین (۱۰۰۱ ه.ق)، *فرهنگ وفائی*، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۵۳۳۶.
۵۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، *فرهنگ فارسی* (معروف به فرهنگ وفایی)، براساس نسخه‌های خطی موجود در چین، به تصحیح تن هوی جو، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵۸. هدایت، رضاقلی خان (۱۲۸۸)، *فرهنگ انجمن آرای ناصری*، به اهتمام حاج سید اسمعیل کتابچی و اخوان فرزندان مرحوم حاج سید احمد کتابچی، اسلامیه، چاپ سنگی، طهران: کتابفروشی.



۵۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، مجمع‌الفصحاء، به تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر،

جلد یکم.

### ب) مقاله‌ها

۱. آیدنلو، سجاد (۱۳۹۲)، «تُخشان؛ تصحیح واژه‌ای تصحیف شده در شاهنامه»، فرهنگ‌نویسی، شماره ۷، صص ۱۳۸-۱۶۱.

۲. امامی، نصرالله و مزگان شیرمحمدی و سجاد دهقان (۱۳۹۷) «بررسی ابیاتی نویافته از رودکی در فرهنگی ناشناخته»، شعرپژوهی (بوستان ادب)، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۳۶، صص ۱۷-۴۴.

۳. خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۳)، «دستی از پرده برون آمد: نامه‌ای از آن سوی آب‌ها»، گوهران، شماره ۶، صص ۱۴۶-۱۴۶.

۴. خامسی هامانه، فخرالسادات (۱۳۹۲)، «تحلیل و بازنمود اهمیت لغوی تفسیر قرآن کمبریج»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۲۱، صص ۱۲۷-۱۵۲.

۵. خطیبی، ابوالفضل (۱۳۷۹)، «نگاهی به فرهنگ‌های شاهنامه از آغاز تا به امروز»، نامه فرهنگستان، ش ۱۵، صص ۳۷-۵۷.

۶. دبیرسیاقی، منوچهر (محمد) (۱۳۳۴)، «رودکی و سندبادنامه»، یغما سال هشتم، شماره ۹ (پیاپی ۸۹)، صص ۲۱۸-۲۲۳.

۷. سپانلو، محمدعلی (۱۳۸۳)، «بیتی بازیافته از چکامه بخارا»، مجله گوهران، شماره ۳، صص ۱۳۳-۱۳۸.

۸. صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۱)، «بحثی درباره فرهنگ عربی به فارسی «المرقاة» و مؤلف آن»، نشر دانش، شماره ۴، صص ۱۸-۳۱.

۹. نصیری شیراز، زهرا و نصرالله امامی و سجاد دهقان (۱۳۹۷)، «بررسی ابیات تازه و منسوب به رودکی سمرقندی در فرهنگ لغت حلیمی (شرح بحرالغرائب)»، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره چهارم (پیاپی ۴۰)، صص ۱-۲۰.